

به نام خداوند جان و خرد

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده سینما و تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته کارگردانی نمایش

عنوان:

**بررسی تاریخی فعالیت های نمایشی زرتشتیان ایران
(۱۳۵۷-۱۳۰۴ خورشیدی)**

استاد راهنما :

دکتر کامران سپهران

عنوان بخش عملی :

اجرای نمایش «ماه پیشونی چنین بود...!»

استاد راهنمای بخش عملی :

دکتر سعید کشن فلاح

نگارش و تمقیق:

نسرین خنجری

خرداد ماه ۱۳۸۹

تقدیم به مادرم،

میترا

تعهد نامه

اینجانب نسرین خنجری اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است و برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

امضاء تاریخ

پیشگفتار

از روزی که جرقه های اولین خواستن ها و کنجکاوی ها برای آغاز چنین پژوهشی در ذهن شکل گرفت، تا کنون که بدین شکل آن را به پایان می برم، چیزی نزدیک به سه سال، تقریباً هم دوره با این دوران از تحصیلم، طول کشید.

تازگی موضوع همان اندازه که شوق ایجاد می کرد، از آن جهت که نزد اکثریت ناآشنا بود و منابع اندک و کمیاب، دلسردم می کرد. یافته ها گاه در همان جا و زمان که انتظار می رفت، یافت می شد و گاه پیگیری بیش از یک سال به طول می انجامید تا به دست آید، یا دانسته شود که راه رفته بیراهه بوده است.

هر بار و در هر فرصت بر بخشی دست گذاشتم و آن را تا آن جا که ممکن بود به پیش بردم و پالودم. بسیاری مرا در یافتن هر سرنخ یاری ام دادند. بسیاری همراه با من با یافتن هر قطعه از این هزارپاره سخت، خوشحال شدند.

به هر روی، خوشنودم که تلاشی را که آغاز کردم، از نگاه خودم، بی ثمر نمانده و می تواند برای کسانی که پس از این بدین موضوع علاقمندی نشان می دهند، منبع مراجعه باشد و بستری برای پژوهش های آینده.

و سپاسگزارم از تک تک کسانی که هر جا همراهی ام کردند، و عددشان چنان بسیار است که بدین نوشتار نمی گنجد. بر همگی شان درود و شادی ازانشان باد.

نسرین خنجری

بهار ۱۳۸۹

چکیده

زرتشتیان ایران، که در عهد صفویه و قاجار به سختی روزگار گذراندند، در اواخر این دوره با پشتیبانی همکیشان خود در هندوستان توانستند رفته رفته جان دوباره یابند. به خصوص پس از مشروطه و در عهد پهلوی شرایط برایشان مساعد گشت تا پس از سال ها تحمل فشار، به خودشناسی، خودپروری، بازنگری و بیان بخش هایی از تاریخ، هویت و شخصیت خویش پردازند و این همه می توانست موضوعات مناسبی برای نمایش باشد.

در شهرهای مختلف چون تهران، یزد، کرمان، اهواز و حتی بمبئی، زرتشتیان ایرانی، از طریق سازمان ها و جمع های مختلف و در گردهمایی به مناسبت جشن های گوناگون، به «نمایش» پرداختند. این در بسیاری نقاط به صورت سنتی چندساله درآمد و جریانی بود که ادامه می یافت؛ از این جمله محله ای است چون خرمشاه در یزد، که سنت نمایش در آن تداومی هشت ساله یافت و کیفیت آن به سطح قابل توجهی رسید، هرچند مخاطب کلی چنین جریان هایی محدود بود و از نگاه دیگران دور ماند.

از افراد شاخص زرتشتی که به طور ویژه به این هنر پرداخته و در شکل گیری نمایش در دهه های نخستین این سده در ایران نیز نقش داشته است، *اریاب افلاطون کینخسرو شاهرخ* است که نویسنده، کارگردان، مترجم و نیز بنیانگذار نخستین سالن تئاتر دائمی ملی ایران، سالن تئاتر زرتشتیان، بوده است.

به واقع، شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی زرتشتیان و امکانات در اختیارشان این راه را برایشان هموار می کرد. مناسبات بسیاری چون جشن های مختلف در طول سال، برخورداری از مکان هایی همچون سالن ها و مدارس، پشتیبانی مالی و مدیریت کلی از سوی سازمان هایی چون انجمن های زرتشتیان هر منطقه، و نیز استقبال خوب مخاطب زرتشتی، که شرکت در جشن ها را بخشی از مراسم آیینی خویش می دانست، فضای خوشایندی برای آغاز جریان تولید آثار نمایشی در این جامعه بود.

واژگان کلیدی: زرتشتیان، جشن، نمایش، تئاتر ایران، سالن، اقلیت ها.

فهرست مطالب

فهرست تصاویر.....	۷
مقدمه: کلیات تحقیق.....	۱
فصل ۱: زمینه ها: مروری مختصر بر تاریخ اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان ایران.....	۵
جشن ها.....	۱۰
فصل ۲: تئاتر زرتشتیان ایران.....	۱۳
تهران.....	۱۴
سالن تئاتر زرتشتیان- تئاتر سیروس- تئاتر نکیسا.....	۱۴
باشگاه مزدیسنان تهران.....	۱۹
باشگاه زرتشتیان تهران.....	۲۱
سازمان جوانان زرتشتی (سازمان فروهر).....	۲۷
آموزشگاه های زرتشتیان تهران.....	۳۴
افراد.....	۴۱
یزد.....	۴۳
سابقه نمایش در شهر یزد.....	۴۳
سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی یزد.....	۴۶
فعالیت های نمایشی دیگر روستا ها/ محلات زرتشتی نشین یزد.....	۵۷
آموزشگاه های زرتشتیان یزد.....	۶۷
افراد.....	۶۹
کرمان، اهواز و شهرهای دیگر.....	۶۹

۷۴.....	بمبئی
۸۰.....	فصل ۳: دو بررسی موردی: ارباب افلاطون شاهرخ- محله خرمشاه
۸۰.....	ارباب افلاطون کینخسرو شاهرخ
۸۱.....	معرفی ارباب افلاطون شاهرخ
۸۴.....	آثار نمایشی ارباب افلاطون شاهرخ
۸۵.....	بررسی سه اثر نمایشی از افلاطون شاهرخ
۱۰۶.....	بررسی نمایش های اجرا شده در جشن های محله خرمشاه یزد
۱۰۷.....	روستا(محله)ی خرمشاه یزد
۱۰۹.....	برگزاری جشن ها - نمایش ها در محله خرمشاه
۱۲۵.....	بررسی متون نمایشی خداداد خنجری
۱۴۰.....	فصل ۴: نتیجه گیری: تأثیرات و تأثرات
۱۴۷.....	فهرست منابع

فهرست تصاویر

- تصویر ۱-۲- آگهی آغاز به کار تئاتر سیروس..... ۱۷
- تصویر ۲-۲- نمایش دینی و تاریخی ظهور زرتشت ۲۰
- تصویر ۳-۲- پلان ساختمان باشگاه زرتشتیان..... ۲۲
- تصویر ۴-۲- نمای خارجی باشگاه زرتشتیان تهران..... ۲۳
- تصویر ۵-۲- عده ای از اعضای کمیسیون های باشگاه زرتشتیان تهران پس از پایان نمایش..... ۲۴
- تصویر ۶-۲- جوانان زرتشتی، پس از اجرای نمایش در دبستان گیو..... ۲۶
- تصویر ۷-۲- صحنه ای از نمایش مازیار..... ۲۸
- تصویر ۸-۲- صحنه ای از نمایش جنگ یازده رخ ۲۹
- تصویر ۹-۲- صحنه ای از نمایش قانون..... ۲۹
- تصویر ۱۰-۲- صحنه ای از نمایش آتشگاه ۳۰
- تصویر ۱۱-۲- صحنه ای از نمایش بیژن و منیژه ۳۱
- تصویر ۱۲-۲- صحنه ای از نمایش قهوه خانه شهدی صفر..... ۳۱
- تصویر ۱۳-۲- صحنه ای از نمایش پروین دخت ساسان..... ۳۲
- تصویر ۱۴-۲- صحنه ای از نمایش خرس..... ۳۳
- تصویر ۱۵-۲- صحنه ای از نمایش گل و پروانه ۳۵
- تصویر ۱۶-۲- صحنه ای از تابلو موزیکال سفید و سیاه ۳۷
- تصویر ۱۷-۲- شیرین مهدوی، پری شهبازی و پریچهر گیلانشاه در اجرای یکی از نمایشنامه ها..... ۳۸
- تصویر ۱۸-۲- رقص محلی پوران دخت درودی و خواهرش..... ۳۸
- تصویر ۱۹-۲- آگهی برگزاری جشن سده ۱۳۳۱ در تالار دبیرستان انوشیروان دادگر..... ۳۹
- تصویر ۲۰-۲- یک صحنه از پیس انگشتر..... ۴۰
- تصویر ۲۱-۲- بهرام اسپتتمان..... ۴۱
- تصویر ۲۲-۲- فریدون رستگاری..... ۴۲
- تصویر ۲۳-۲- آگهی اکران فیلم شبهای معبد با بازی فریدون رستگاری..... ۴۲
- تصویر ۲-۲۴- فردوس کاویانی..... ۴۳

- تصویر ۲-۲۵ - اخبار یزد، اولین کلنگ سالن زرتشتیان در یزد..... ۴۸
- تصویر ۲-۲۶ - اخبار یزد، شروع ساختمان سالن..... ۴۸
- تصویر ۲-۲۷ - برنامه جشن زایش زرتشت در یزد ۱۳۵۲..... ۵۳
- تصویر ۲-۲۸ - یکی از نمایش های اجرا شده توسط افراد سازمان (بدون ذکر نام)..... ۵۴
- تصویر ۲-۲۹ - تماشاگران در مراسم جشن سده در یزد..... ۵۵
- تصویر ۲-۳۰ - صحنه هایی از اجرای یک نمایش در مدرسه مبارکه..... ۶۰
- تصویر ۲-۳۱ - اجرای نمایشی در کوچه بیوک..... ۶۱
- تصویر ۲-۳۲ - خبر مربوط به نمایش های اجرا شده در جشن زادروز زرتشت در خرمشاه سال ۱۳۵۱..... ۶۲
- تصویر ۲-۳۳ - خبر مربوط به نمایش های اجرا شده در جشن زادروز زرتشت در خرمشاه سال ۱۳۵۲..... ۶۳
- تصویر ۲-۳۴ - صحنه ای از نمایش در مریم آباد..... ۶۴
- تصویر ۲-۳۵ - صحنه ای از نمایش بیژن و منیژه..... ۶۴
- تصویر ۲-۳۶ - نمایشی در حسن آباد میبد..... ۶۶
- تصویر ۲-۳۷ - نمایش فرین..... ۷۱
- تصویر ۲-۳۸ - سزای خیانت..... ۷۲
- تصویر ۲-۳۹ - نمایش آتشگاه..... ۷۳
- تصویر ۲-۴۰ - آمیرزا..... ۷۳
- تصویر ۲-۴۱ - یک صحنه از نمایش ارباب و نوکر..... ۷۵
- تصویر ۲-۴۲ - بازیگران نمایش نوکر احمق و ارباب خسیس..... ۷۶
- تصویر ۲-۴۳ - بازیگران نمایش مانکجی..... ۷۷
- تصویر ۲-۴۴ - بازیگران نمایش وزیر و شاهزاده..... ۷۷
- تصویر ۳-۱ - ارباب افلاطون شاهرخ..... ۸۱
- تصویر ۳-۲ - سنگ مزار ارباب افلاطون شاهرخ (قصر فیروزه، آرامگاه زرتشتیان)..... ۸۳
- تصویر ۳-۳ - ارباب افلاطون شاهرخ (از آلبوم شخصی یاسمن فرین)..... ۸۵

- تصویر ۳-۴- از دستنوشته نمایشنامه ضحاک ماردوش..... ۸۸
- تصویر ۳-۵- از دستنوشته نمایشنامه ضحاک ماردوش..... ۹۰
- تصویر ۳-۶- از دستنوشته نمایشنامه یزدگرد سوم..... ۹۵
- تصویر ۳-۷- از دستنوشته نمایشنامه یزدگرد سوم..... ۱۰۰
- تصویر ۳-۸- از دستنوشته ترجمه مکبث..... ۱۰۲
- تصویر ۳-۹- از دستنوشته ترجمه مکبث..... ۱۰۶
- تصویر ۳-۱۰- برنامه جشن ملی سده بهمن ۱۳۵۴ (از اسناد شخصی خداداد خنجری)..... ۱۱۲
- تصویر ۳-۱۱- صحنه ای از یک نمایش تاریخی (از آلبوم شخصی خداداد خنجری)..... ۱۱۳
- تصویر ۳-۱۲- صحنه ای از یک نقالی (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۱۴
- تصویر ۳-۱۳- صحنه ای از نمایش دادگاه (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۱۴
- تصویر ۳-۱۴- صحنه ای از نمایش بازگشت پروفیسور (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۱۵
- تصویر ۳-۱۵- صحنه ای از نمایش بی کلام کلاس درس (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۱۵
- تصویر ۳-۱۶- صحنه ای از یک نمایش تاریخی (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۱۷
- تصویر ۳-۱۷- زینپوش در یک نمایش کمدی (از آلبوم شخصی خداداد خنجری)..... ۱۱۸
- تصویر ۳-۱۸- دستنوشته مربوط به مسئولین تدارکات جشن..... ۱۲۰
- تصویر ۳-۱۹- لباس و وسایل در نمایش های تاریخی (از آلبوم شخصی الله یار دانشزاد)..... ۱۲۲
- تصویر ۳-۲۰- دکور و دورنما..... ۱۲۳
- تصویر ۳-۲۱- دکور و دورنما..... ۱۲۳
- تصویر ۳-۲۲- از دستنوشته نمایشنامه دختر اردوان پنجم، نمونه ای مربوط به طراحی نور نمایش..... ۱۲۳
- تصویر ۳-۲۳- از دستنوشته نمایشنامه دختر اردوان پنجم، مربوط به لباس و وسایل مرد نیاز..... ۱۲۶
- تصویر ۳-۲۴- دستنوشته صفحه نخست نمایشنامه (بدون نام)..... ۱۳۲

مقدمه: کلیات تحقیق

پس از جریان مشروطه و تلاش و همراهی بی حد زرتشتیان در به ثمر رسیدن آن، افراد این جامعه کوچک اقلیت دینی، اندک اندک جایگاه خود را در عرصه های اجتماعی گشودند و با پشتیبانی مالی و فرهنگی ای که از سوی همکیشان خود در هندوستان داشتند، به فعالیت های اقتصادی و فرهنگی گسترده تر روی آوردند، که این پشتیبانی ها و ارتباطات با شروع قرن چهاردهم خورشیدی، همسو با برخی اهداف دولت به اوج رسید. از آن جمله ساخت و ساز بناهای عام المنفعه و مدارس، ایجاد فضاهای مناسب اجرای نمایش در سالن های این مدارس و نیز اجرای نمایش در مناسبت ها و جشن های فرهنگی شان است. و از آن جهت که ایدئولوژی زمانه به ایران باستان بذل توجه نشان می داد، زرتشتیان مورد توجه قرار گرفتند و اوضاع برای فعالیت اجتماعی آن ها وضع به سامان تری یافت.

بدین ترتیب، اینان گاه در همراهی با دیگر هنرمندان جامعه اکثریت، در شکل گیری تحولات نمایشی مربوط به جریان کلی نمایش در ایران حضور داشته اند و گاه به گونه ای دیگر، در درون جامعه کوچک خود، به صورت انحصاری و تنها برای تماشای همکیشان خود، در جشن ها و مراسمشان، به هنر نمایش پرداخته اند؛ این جریان فرعی و جدای از جریان کلی نمایش در جامعه، مسیر جداگانه خود را پیمود و ویژگی ها و روش ها و مهارت ها و دستاوردهای خود را کسب کرد که قابل تأمل و بررسی است.

به بیان دیگر، از آن زرتشتیان که به جریان کلی متأثر پیوستند، به صورت پراکنده و در منابع مختلف نامی آمده است و درباره فعالیتشان بسته به گستردگی و اهمیت و نوع آن اطلاعاتی در دست است. اما از آن جریان جدا و ویژگی ها و آداب و هنرمندان آن هرگز مطلبی مدون نگاشته نشده است و از گذشته آن تنها در بعضی خطوط نشریات داخلی و یا اذهان و خاطرات چیزکی برجا مانده است.

از این رو، پژوهش مورد نظر بر آن است تا با گردآوری و سنجش انتقادی مطالب و اطلاعات محدود نوشته شده، یا به جا مانده در تاریخ شفاهی، تا حد ممکن به ثبت و تدوین فعالیت های نمایشی هنرمندان جامعه زرتشتی ایران، در سال های ۱۳۵۷-۱۳۰۴ خورشیدی، در شهرهای عمده زرتشتی نشین کشور بپردازد. همچنان که در این بین ویژگی ها و خلق و خوی خاص آثار و فعالیت های نمایشی در درون این جامعه اقلیت، و تأثیر و تأثرات در مناسبات و ارتباط با جامعه اکثریت اطراف را مورد بررسی قرار می دهد تا بتواند بر بخش مغفول مانده از تاریخ متأثر ایران پرتو بیفکند.

زیرا چنان که آمد، این بخشی فراموش شده است. پیش از این در خصوص فعالیت های تأثیری اقلیت دینی ای چون ارمنیان - که سهم بزرگی در شکل گیری متأثر ایران داشته اند - مطالب نسبتاً

گسترده ای تألیف و چاپ شده است. درباره *تئاتر زرتشتیان* (تئاتر پارسیان Persian Theatre) نیز منابعی وجود دارد که به نقش بیشتر اقتصادی و سرمایه داری آنان و نیز تأثیر رابطه خوب این قوم با انگلیسی ها در شکل گیری تئاتر مدرن در هند می پردازد. اما از فعالیت های نمایشی زرتشتیان ایران، تاکنون مطلب مدونی نگاشته و طبع نشده است.

در مورد افرادی که به صورت حرفه ای به کار نمایش پرداخته اند به نسبت نوع فعالیتشان و نزدیکی زمانشان، در کتب و منابع دیگر، مطالبی نگاشته شده است. برای نمونه، در مورد «ارباب افلاطون شاهرخ» تنها در کتاب *ادبیات نمایشی در ایران* نوشته جمشید ملک پور، بخش کاملی اختصاص داده شده است، اما هیچ تک نگاری ای صورت نگرفته است. درباره «فردوس کاویانی» به طبع، مطالب بیشتری در دست است، هرچند باز کتاب یا تک نگاری خاصی وجود ندارد.

در باب نمایش های غیر حرفه ای و هنرمندان این وادی نیز تنها می توان در نشریه های داخلی زرتشتیان، همچون *هوخ* و *مهنامه زرتشتیان*، اخبار پراکنده ای یافت. اما این سطور تنها به ذکر خبر به صورت تاریخ و مکان و اسامی اکتفا کرده، هیچ جنبه تحلیلی در مورد آثار به اجرا درآمده وجود ندارد. اطلاعات بیشتر به صورت اسناد کمابیش باقی است و یا در خاطرات افراد موجود است.

این کمی بازنگریستن هاو نوشتن ها شاید از آن جهت است که شمار کسانی که به کار نمایش می پرداختند اندک بود و از ایشان، کسانی که به صورت حرفه ای و کیفی بدان می نگریستند اندک تر. و بدین سبب اگر نمایشی جلوی دیدگان تماشاگران بر صحنه می رفت، از آنان که بر صحنه اش می بردند و آنان که به تماشایش می نشستند کمتر کسی دانش و دغدغه ثبت اطلاعات کامل و یا بررسی و تحلیل آن آثار نمایشی را داشت.

همین طور، از آنجا که زرتشتیان جامعه ای اقلیت اند، و نیز به سبب نوع باورها، آداب و رسوم و ویژگی های خاص فرهنگی، این نکته می تواند جالب توجه باشد که این فرهنگ ویژه، چه از نظر دینی، چه از نظر رسوم زندگی و چه از نگاه جامعه شناختی و مردم شناسی، چه تأثیراتی بر نوع نگاه هنرمندان بر آمده از این جامعه وبالطبع خلق و خو و طبع آثارشان داشته است. این روابط و شرایط مربوط به اقلیت بودن، گاه به ضرر و گاه به سود این جریان انجامیده اند.

و اینک پس از گذشت سالیان، از یک نگاه، به سبب دید بازتر و کلی تری که در روند سال ها، و با امکان دسته بندی و مقایسه و بررسی به دست می آید، فهم جامع تری از موضوع به دست می آید، همچنان که درست در مقابل، زمانی که بر مستندات مربوط گذشته است، آنجا که مربوط به اسناد و خاطرات است، گرد فراموشی بر آن ها پاشیده، بسیاری از افراد مطلع را به دیار دیگر برده، و بعضی

مدارک را به نابودی کشانده است. پس ثبت آنچه برجاست، و بررسی آنچه به دست آمده اینک و در این زمان مغتنم است و اهمال برنمی تابد.

بنابراین، این پژوهش با هدف اصلی بررسی تاریخی فعالیت های نمایشی زرتشتیان ایران در سال های ۱۳۵۷-۱۳۰۴ خورشیدی، و تلاش برای پر نمودن جای خالی موجود در تاریخ نوشته شده نمایش این سرزمین در این مورد نگاشته می شود. و در آن در پی جمع آوری و ثبت اطلاعات موجود در باره فعالیت های نمایشی زرتشتیان، هنرمندان آن و شیوه ها و روش های نمایشی شان است، که بخش نسبتاً بزرگ و اصلی کار را شامل می شود. و نیز به تبیین چگونگی تأثیر باورها، آداب و شرایط اجتماعی جامعه زرتشتی در آثار نمایشی شان و تأثیر جامعه بزرگتر بر تئاتر جامعه زرتشتی می پردازد.

این پژوهش به روش توصیفی (Descriptive) نگاشته شده است. اطلاعات مورد نیاز، به جز از منابع مکتوب، کتاب ها و پایان نامه هایی که از این موضوع (بسیار کم) سخن گفته اند، از طریق مصاحبه با افراد دست اندرکار یا آگاه و نیز جمع آوری اسناد موجود در این زمینه گردآوری شده است. همچنین در درج مطالب و اطلاعات سعی بر آن شده است که تمامی اسامی و اطلاعات موجود به دست آمده، به طور کامل بازگو شود تا به صورت مدون و یکجا در این نوشتار گرد آید، بدان امید که برخی نام ها که تنها یک بار در میان سطور بی شمار منابع آمده اند، ثبت شده، بیم آن نرود که در گذر زمان از یادها برود.

پس، آنچه در پی می آید تلاشی است برای پاسخ به این پرسش ها، که در سال های مورد بررسی این پژوهش در کشورمان، ایران،

- چه کسانی از جامعه زرتشتی و به چه نحوی به هنر نمایش پرداخته اند؟

- ویژگی های فعالیت های نمایشی این جامعه و شرایط و شیوه های آن چه بوده است؟

- باورها، فرهنگ، آداب و شرایط و روابط اجتماعی جامعه زرتشتی، چه تأثیری بر آثار نمایشی ایشان گذاشته است؟

- تئاتر جامعه غیر زرتشتی ایران و همچنین تئاتر جهان چه تأثیری بر تئاتر در جامعه زرتشتی داشته است؟

بدین ترتیب، در فصل نخست درباره شرایط تاریخی و اجتماعی زرتشتیان ایران به خصوص در قرن اخیر و شناخت ظریف تر این جامعه اقلیت ایرانی سخن می رود. فصل دوم که حجم اصلی اطلاعات

را بر دوش دارد، جمع آوری، ثبت و دسته بندی اطلاعات موجود درباره نمایش های اجرا شده توسط ارگان های مختلف زرتشتی است. این فصل که خود به بخش های کوچکتر تهران، یزد، - کرمان، اهواز و سایر شهرهای ایران، و - ایرانیان مقیم بمبئی تقسیم می شود، باز در دل هر کدام بخش های کوچکتری دارد که برای مثال در هر شهر، اهمیت ارگان های نامبرده، نقش آموزشگاه های زرتشتیان در این روند و نیز افراد خاصی که به طور حرفه ای تر به هنر نمایش پرداخته اند بررسی می شود.

فصل سه به مطالعه موردی دو موضوع خاص از میان افراد و مکان های بسیار نام برده شده در فصل پیش می پردازد. یکی «ارباب افلاطون شاهرخ»، بنیانگذار و مدیر تماشاخانه زرتشتیان (سالن تئاتر زرتشتیان)، و نیز مترجم و نمایشنامه نویس و کارگردان زرتشتی است که در سال های آغازین این سده نقش مهم و بی بدیلی در پرداختن به هنر نمایش، چه از نگاه جمع آوری سرمایه و ساخت سالن و چه از نگاه هنری و فعالیت نمایشی در رابطه با تئاتر ایران و نیز زرتشتیان داشته است. در این نوشتار به شناخت زندگی و شخصیت اجتماعی او، فعالیت های نمایشی اش و نیز نقد و بررسی سه اثر منتشر نشده از او (دو نمایشنامه و یک ترجمه) می پردازیم و این تلاشی است در راه ادای دین و پر کردن جای خالی تاریخ نوشته شده تئاتر ایران در مورد این شخصیت مهم اما فراموش شده.

دیگری بررسی نمایش های اجرا شده در جشن های زرتشتیان محله ای است به نام «خرمشاه» در یزد. دلیل انتخاب این محله به عنوان نمونه، در میان بیش از ۲۰ محله و شهری که نامشان در فصل سه می رود، تداوم هشت ساله اجرای نمایش هایی است نسبتاً با کیفیت، پردقت و پر شکوه، با حضور جمعیت بالای تماشاگر، و نیز انتخابی است به دلیل آشنایی نگارنده با این محل - که خود زاده و اهل آنم - و دسترسی به افراد، خاطرات و اسناد باقی مانده نزد ایشان که امکان نگاهی جزئی تر و دقیق تر را به این روند فراهم می کند. و هر محله یا شهر دیگری می تواند موضوع بعدی باشد برای پیمودن این راه.

فصل چهار، که پایان بخش مطلب است، پاسخی است به پرسش های مربوط به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی جامعه زرتشتی بر موضوع و نوع برگزاری نمایش ها و نیز ارتباط و دادوستد آن با تئاتر و مناسبات فرهنگی گسترده تر جامعه بیرون؛ و به نوعی می توان این فصل را جمع بندی و نتیجه گیری از آنچه به دست آمده دانست.

امید آن که پژوهش پیش رو، که به حد دانسته ها، یافته ها و زمان، چنین نگاشته و به پایان برده شده است، آغازی باشد برای پژوهش های بعدی، تا پی گرفته شود، بدان افزوده گردد و به راستی بدینجا پایان نیابد.

فصل ۱ :

زمینه ها: مروری مختصر بر تاریخ اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان ایران

ایرانیان زرتشتی پیرو زرتشت، پیامبر باستانی ایران اند. دین زرتشت پیش از ظهور اسلام دین رسمی این مرزوبوم بوده است و اکثریت ایرانیان پیرو آن بوده اند. زرتشت را نخستین پیامبر الهی جهان می دانند. زرتشتیان را اصطلاحاً «به‌دین» و پیرو «دین بهی» می گویند.

امروزه شمار زرتشتیان ایرانی مقیم ایران نزدیک به سی هزار نفر است و بیشتر در تهران زندگی می کنند. جز این در یزد و کرمان و شیراز و اصفهان و اهواز، و نیز دیگر شهرهای ایران سکونت دارند. همچنین زرتشتیان ایران از دیرباز به هند رفته بوده اند و اکنون نیز در کشورهای متعددی سکونت دارند. اما به هر حال، در واقع دو شهر کرمان و یزد در قرن گذشته نخستین مسکن و ماوای اصلی زرتشتیان ایران بوده اند.

زبان زرتشتیان متمایز و خاص است و همراه با فارسی، گویش به‌دینان (گوری یا گورونی یا دری) را نیز به کار می برند، و در پوشاک نیز متمایز بوده اند. (مزداپور، ۱۳۸۲: ۳)

پس از چیرگی اعراب بر ایران و نفوذ اسلام به کشور، شمار زرتشتیان کاستی گرفت. با سلطه عرب، عموم ایرانیان دریافتند که مصلحت آنان در پذیرفتن دین تازه است. در مقدمه بندهش به این نکته اشاره شده که: جز بهره گرفتن از مزایای حقوقی و تصاحب ارث کل خاندان، یافتن مقام و مناصب، توفیق در بازرگانی، حمایت علمی و ادبی، مصون ماندن از تعقیب و توهین و نجات از فقر از این راه میسر می شد. (همان، ۵۳) دسته هایی از زرتشتیان نیز بر اثر فشار موجود، رفته رفته زادبوم خود را ترک گفته، به هندوستان مهاجرت کردند. با وجود این، در زمان حکومت امویان هنوز در بسیاری از شهرهای کوچک و روستاها اکثر مردم زرتشتی بودند، بیشتر مردم کرمان در تمام مدت خلافت اموی ها زرتشتی ماندند، و در روزگار استخری هنوز زرتشتیان فارس دسته بزرگی بودند. (محمدی ملایری، ۱۳۷۴: ۴۸)

در دوره عباسیان فشار بر زرتشتیان برای دست کشیدن از دین نیاکان فزونی گرفت. مقررات دولتی که با احکام محلی تشدید می شد، نه تنها اموال، بلکه افراد زرتشتی را هم از این جامعه می گرفت.

کیش زرتشت ظاهراً بیش از همه در فارس مقاومت کرد. سپس با آمدن مغول به ایران و آشوب و غوغای آن زرتشتیان صدمه بیشتری خوردند. در برابر این سیل خروشان، زرتشتیان راهی جز گریز

به بیابان و کوه و دور ماندن از معرض دید نداشتند. چنین نقاطی را در اطراف شهرهای کویری یزد و کرمان یافتند، با منابع اندک آب و ناپذیرندگی میهمانان بیگانه.

شماره جماعت زرتشتی در عهد شاه عباس صفوی یک میلیون نفر بود. (مزداپور، ۱۳۸۲: ۵۵) گاه مواردی پیش می آمد که پادشاهان به عمد و برای عوامفریبی دستور به قتل عام زرتشتیان می دادند، مانند آنچه که در زمان سلطنت سلطان حسین، آخرین پادشاه صفوی (۱۶۹۴ تا ۱۷۲۲ میلادی) روی داد. ایام بعد از صفویه برای تمام ایرانیان بویژه برای زرتشتیان بسیار رنج آور بود. شهر کرمان، یکی از دو پایگاه اصلی آنان، در خط اول ویرانی های دوران جنگ با افغان ها قرار داشت. نادرشاه نشان داد که دوست جامعه زرتشتی نیست. در دوران زندیه (۱۷۴۷ تا ۱۷۹۴ میلادی) دوران آرامش کوتاهی برای آنان به وجود آمد. (بورجر اواری، ۱۳۸۳: ۱۱۷) قاجاریه باز بیرحمانه این جمعیت را کاهش داد و شمار زرتشتیان به پنجاه هزار نفر در زمان فتحعلی شاه و سی هزار نفر در زمان محمد شاه قاجار رسید و در ۱۲۸۵ ق. به ۶۹۰۰ نفر تقلیل یافت. (مزداپور، ۱۳۸۲: ۵۵)

در جامعه زرتشتی پس از ساسانیان و شرایط جدید آن، به ویژه با آمدن مغول و شاهان متعصب آن، زرتشتیان که می کوشیدند هرچه بیشتر دور از مراکز قدرت و ثروت باشند، به زندگانی روستایی در نقاط دوردست پناه بردند. با داوری از روی آگاهی های کنونی، می توان گفت که مشاغل زرتشتیان عام (غیر موبد) اصولاً دو نوع شد: کشاورزان در دهات و بازرگانان و وابستگان آنان در شهر. ... به بیان دیگر، ضمن این که اکثریت مسلمان، جامعه «مطرود و منفور و نجس گبر» را به درون خود راه نمی دادند، زرتشتیان نیز از آمیختن با دیگران پرهیز می کردند. چنین شرایطی ایشان را از هرگونه مشاغل رسمی و دولتی دور داشته، زندگی سختی را برای ایشان رقم می زد، به ویژه که مبالغ هنگفتی را می بایست بابت جزیه به حکومت بپردازند. (همان: ۹۸ و ۹۷) در زمان حکومت قاجاریه، برای مثال، مالیات جمعی رسمی که برای زرتشتیان یزد کمتر از ۹۰۰ تومان مقرر شده بود، به علت طمع کاری و رشوه خواری مأموران محلی، عملاً تا ۲۰۰۰ تومان افزوده و ستانده می شد و از آن جا که زرتشتیان غالباً باغبان و زارع بودند و تنها معدودی بازرگان میان آن ها وجود داشت، بار سنگین مالیات برای اکثر آنان بسیار خردکننده بود. (بورجر اواری، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

در تاریخ ۱۲۹۹ ق. برابر با ۱۸۸۲ م. «مانکجی لیمجی هاتریا»، از پارسیان هند، موفق شد فرمان لغو جزیه را از ناصرالدین شاه قاجار بگیرد، و این مهمترین اقدام برای بهبود وضع اجتماعی زرتشتیان بود. (مزداپور، ۱۳۸۲: ۷۷) تلاش برای این اقدام مهم از ده سال پیش از آن و با تدبیر در باب اقدام از

طریق رابطه موفق پارسیان هند با انگلیسی ها و نفوذ ایشان بر ناصرالدین شاه صورت گرفت. (بورجر اواری، ۱۳۸۳: ۱۲۰ تا ۱۲۲)^۱

پس از این اقدام سرنوشت ساز، و باز با کمک های همکیشان پارسی خود، زرتشتیان ایران باز هوایی برای تنفس یافتند. اینان که از دیرباز به راستی و درستی نامور بودند، پس از آن حتی گاه صاحب قدرت اقتصادی گشتند. سهم مهمی که زرتشتیان در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در اقتصاد کشور داشتند، به تجارتخانه و صرافی ارباب جمشید جمشیدیان باز می گردد. تجارتخانه جمشیدیان، با دو شعبه تجاری و ملکی، در سراسر کشور رونق بی نظیری یافت. به تحقیق پس از سقوط ساسانیان این اولین باری بود که تاجری زرتشتی به چنین موقعیتی می رسید. وی از جانب مظفرالدین شاه به لقب رئیس التجار ملقب گشت و نیز در نخستین مجلس شورای ملی، نماینده زرتشتیان بود. (مزدآپور، ۱۳۸۲: ۸۳ و ۸۴)

زرتشتیان در قیام مشروطیت مشارکت بسیار کردند و کشته دادند. این مشارکت هم از نظر مالی و هم از طریق واردات اسلحه و مهمات از طریق کاروان های تجاری شان بود. تنها در یک بار، ارباب جمشید برای کمک به آزادیخواهان، مبلغ بیست هزار تومان شخصاً و بیست هزار تومان از سایر تجار زرتشتی جمع آوری کرده، در اختیار مجاهدین قرار داد. بار دیگر تجارتخانه جهانیان یکبارگی مبلغ ده هزار تومان به آزادیخواهان بخشید. واردات اسلحه و مهمات از طریق همین تجارتخانه ها، که خوشنام و مصون از سرقت بودند، در میان بارهای پارچه و پنبه صورت می گرفت. ارباب مهربان جمشید پارسایی، از دوستان نزدیک صوراسرفیل، که چهره آرامش کمتر سوء ظن برمی انگیزد، تا مدت ها مسئول پخش این مهمات بود. در همین راه، پرویز شاه جهان و خسرو اهرستانی (معروف به گل خورشید) که از فعالان مشروطه بودند، جان باختند؛ و این ها همه در راه هدف بهتر شدن اوضاع زندگی بود. (نمیرانیان، ۱۳۷۸: ۳۳۵ تا ۳۳۸)

ارباب کیخسرو شاهرخ در یادداشت هایش از اوضاع آن روزگار (سال های حدود ۱۲۷۰ خورشیدی) چنین می نویسد: « به طور کلی وضعیت زرتشتیان در ایران و مخصوصاً در یزد و کرمان طوری خراب بود که پارچه خوب نبایستی لباس کنند. مردان عمده قبای بغلی قدک می پوشیدند و در زمستان سرما غالباً با گیوه رفت و آمد می کردند. حق سواری بر اسب و قاطر و الاغ نداشتند (مرکوب دیگر نبود) روزهای بارانی بایست احتیاطاً عبور کنند که خود را به مسلمانان نزدیک نکنند والا کتک نزدیک به مرگ بود. در معابر غالباً از مسلمانان کتک می خوردند. در موقع خرید

^۱ همین طور نگاه کنید به « یادداشتی بر یادداشت های شادروان ارباب کیخسرو شاهرخ » از محمد ابراهیم باستانی پاریزی در مقدمه کتاب (اشیدری، ۲۵۳۵ الف:ج)

میوه یا چیزی نباید به آن دست بزنند. در یزد غالباً بر روی شانه های خود بقچه مخصوص (شال دستمال) داشتند که اگر به خانه مسلمان می روند آن را زیر پا انداخته، فرش مسلمان نیالایند...» (اشیدری، ۲۵۳۵ الف: ۴۴) ^۱

قدم ها در راه بهبود اوضاع زرتشتیان یک به یک برداشته شدند. ارباب کیخسرو در جایی دیگر می نویسد: « در موقع نوشتن قانون اساسی مشروطیت قسمت دوم وقتی که تکلیف حقوق تبعه ایران را معین می کردند نوشتند مسلمانان در مقابل قوانین و حقوق مساوی هستند، که اقدام شد و اصل مربوطه به این شکل تصحیح گردید که **تبعه ایران** در مقابل قانون مساوی الحقوق اند.» (پوررستمی، ۱۳۸۷: ۳۹)

ارباب کیخسرو شاهرخ با جسارت و صداقت و کاردانی اش که خاص وی بود، در زمان حکومت احمد شاه و رضاشاه خدمات بیشماری به مملکتش، هموطنانش و نیز به همکیشانانش نمود. به واقع می توان گفت که پس از ورود ارباب کیخسرو به ایران و تدابیر و خدمات بسیار او در دستگاه حکومتی و به عنوان نماینده مجلس، برای بهبود حال عموم مردم ایران بود که زرتشتیان نیز کم کم توانستند برپا بایستند و به نوعی آغازی دوباره را تجربه کنند.

در دوران پادشاهی پهلوی، رضا شاه با نشان دادن توجه ویژه به مسئله شکوه ایران باستان و آرمان زنده نمودن و دستیابی دوباره به آن، باعث شد تا زرتشتیان، این نگاه دارندگان آیین های باستان، مجالی برای بالیدن یابند.

محمدرضاشاه در کنفرانسی مطبوعاتی در سانفرانسیسکو در مورد حقوق اقلیت های مذهبی در ایران اعلام کرد: « کشور من یکی از ممالک کهنسال گیتی است و مسئله اقلیت ها در این مملکت اصولاً مطرح نیست. هر نژاد، هر ملت و هر مذهبی در کشور من در پناه قانون قرار دارد و هیچگونه تبعیضاتی برای آن ها موجود نیست.» (اشیدری، ۲۵۳۵ ب: ۱۸۵)

و امروز، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دین زرتشتی یکی از چهار کیش رسمی ایران شمرده شده، به موجب اصل سیزدهم آن، این اقلیت مذهبی در حدود قانون در انجام دادن مراسم دینی خود آزاد است و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کند. بنا بر اصل چهاردهم و بیست و ششم همین قانون روابط اقلیت های مذهبی با دولت جممهوری اسلامی روشن می گردد و بنا بر اصل شصت و چهارم آن، این اقلیت مذهبی در مجلس شورای اسلامی

^۱ رج. (همان ۶۷ و ۶۸) و (بورجر اواری، ۱۳۸۳: ۱۲۲)

نماینده دارد. بنا بر این مواد قانونی و با استناد به قرآن، مسلمانان موظف اند با افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی رفتار و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. (مزداپور، ۱۳۸۲: ۱۰۷ و ۸)

ایرانیان زرتشتی در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشور در قرن حاضر مشارکت تام داشته اند. مدارس بزرگی در کرمان و یزد و تهران به دست زرتشتیان ساخته و اداره شده. این اقلیت کوچک که دارای حداقل میزان بی سوادی است، در احداث بیمارستان ها و خدمات پزشکی و فعالیت هایی مانند آبیاری و ساختن کارخانه و حتی ریشه کن کردن مالاریا، نقش مهم و نمایانی داشته است. شمار جان باختگان زرتشتی در جنگ تحمیلی عراق، با توجه به شمار جمعیت، درصد قابل توجهی است.

زرتشتیان را باید پاسداران و نگهبانان سنت و آیین های کهن ایرانی دانست که، در طول سالیان دراز و در شرایط سخت و توانفرسا، علی رغم فشارها و ناملایمات بسیار، نه تنها آداب باستانی و جشن های ایرانی را نگاهداری کرده اند و آن ها را برگزار می کنند، بلکه در جزئیات زندگانی، به گواهی اسناد و مدارک مکتوب، بسیاری از شیوه های قدیمی را نگاه داشته اند.

اینان همچنان که پاسدار آیین ها و سنت های باستانی بوده اند، در پناه چنین سنت ها و آیین هایی که لازمه برگزاری بسیاری شان گردهم آیی و همآزوری بوده است، جمع خود را حفظ کرده اند و مانع از ازهم پاشیدگی و نابودی جامعه کوچک اقلیت شان شده اند. تشکیل چنین جمع هایی، در کنار جنبه اعتقادی و آیینی شان، به باخبری از مشکلات یکدیگر می انجامید و بدین سان مشکلات با پشتیبانی دیگران و به صورت جمعی و «شورایی» حل می شدند.

به واقع حداقل از یک قرن و نیم پیش _ و پیش از آن در دوران پیش از اسلام _ امور جمعیت و جماعت زرتشتیان در کرمان و یزد به صورت شورایی می گذشت و انجمن و جلسات مرتب داشتند (مطابق صورت مجلس های موجود از انجمن ناصری زرتشتیان کرمان و یزد) و در مورد کارهای کلی و جزئی تصمیم شورایی می گرفتند. «این امر حائز اهمیت بسیار است زیرا نشان می دهد که یک جامعه در عین فقر و گرفتاری عدیده، از سطح والا و بالای فرهنگی برخوردار بوده است.» همین تمرین و مهارت در مباحثات جمعی و حل و فصل امور شورایی، ایشان را نمایندگان کارآموده کرده بود و موجب توانایی در ایجاد روابط با دیگران به صورتی ملایم و صلح آمیز شده بود. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۴ و ۱۰۵)

همچنین تشکیل نسبتاً مرتب جمع ها و گردهم آیی ها، به خصوص آن جا که مربوط به مراسمی چون «جشن» ها می شد _ آن هنگام که فشارهای مضاعف اقتصادی و اجتماعی کمابیش کاسته